



فریاد بیزن که کربلا مال من نیست  
مهرات حسین، درد و داغ و غم نیست  
جان مابهی نهضت حسینی اینست:  
هر کس که به ظلم تن، دهله آدم نیست





## گفتار سردبیر

در این شماره می خوانید :

# بسم الله الرحمن الرحيم

## راه امام

## شماره سوم

### پایگاه تحلیلی بصیرت جوین

[www.basiratjooyan.ir](http://www.basiratjooyan.ir)

- گفتار سردبیر
- عقلانیت در مکتب امام
- اصول امام (قسمت سوم)
- امام خمینی چه نگاهی به تمدن اسلامی داشت؟ (قسمت اول)
- وصیت نامه

باماد، ارتباط باشید :

[basiratjooyan@mihanmail.ir](mailto:basiratjooyan@mihanmail.ir)

امام خمینی (ره) به دنبال تمدن اسلامی بود . تمدنی شالوده از خداوند گرییم که همه را به سوی خویش فرامی خواند و جز فرهنگ ناب محمدی(ص) را بر نمی تابد . گرچه در نگاه نخست ، به تعجب در آیی و ندانی چه نسبت است میان امام و یک تمدن. اما آن گاه سیر امام را با سربازانش می یابی خود آگاه کنی که ای اهل عالم ولایت را به بها دهند نه بهانه . شهید همت و امثال وی را به یاد آور تا نمونه این ولایت پذیری را دریابی. ملاک عقل خود پاسخ از این دریای پرسش های ذهن در این مورد خواهد داد

یا علی





مقدمه :

آن چه در پیش روی دارید مطلبی است به نقل از شماره 503 هفته نامه صبح صادق که در این آدرس موجود است و از آن منتشر می شود.

در این باب باید گفت که مقوله عقلانیت و راسیونالیسم، از جمله مفاهیمی است که در دوران جدید غرب و بعد از رنسانس دستخوش تغییر مفهوم گردید. غرب مدعی است که با توجه به بازتعریف عقل توانست از «عصر تاریکی» که با حاکمیت مسیحیت و کلیسا در قرون وسطی مقارن بود، بگذرد و راه توسعه و پیشرفت را در «عصر روشنگری» بیابد. عقل خودبنیاد و بی نیاز و منقطع از راهنمایی ها و هدایت وحی که گزاره های متفاوت و متعارض با گزاره های دینی را احصا می کند.

هر چند این «عقل خودبنیاد» در عمل به «عقل ابزار» مبدل گردید که در خدمت احوال بشر قرار گرفته و تأمین کننده منافع مادی انسان غربی شد، به طوری که محصول آن استعمار و غارت سرزمین ها و استحمار و استثمار ملتها در آفریقا و آسیا و آمریکا و آغاز دو جنگ جهانی خائنانه سوز اول و دوم و قتل ده ها میلیون توده های مردم در آغاز قرن بیستم بود، اما آنچه در آموزه های دینی و به طور مشخص در مکتب و گفتمان حضرت امام(ره) مورد تأکید و توجه می باشد، عقلی است که نه تنها در برابر وحی قرار ندارد بلکه با هدایت و راهنمایی وحی مسیر حق و هدایت را می یابد. در گفتمان حضرت امام(ره) عقل موجود است که «ما عبد به الرحمن»<sup>1</sup> است و راه و رسم سعادت و زندگی را مبتنی بر راهنمایی های آسمانی ترسیم می کند. این عقل متصل به وحی ضمن توجه و تأیید گزاره های دینی، در فهم این گزاره ها نیز به کار می آید و خود حافظی است برای جلوگیری از تحریف و ایجاد مصونیت در آموزه های دینی.

همین تفاوت در شناخت عقل و تعریف مفهوم عقلانیت، در حوزه های مختلف سیاسی نیز دو مدل متفاوت تصمیم گیری و رفتار سیاسی را ترسیم کرده است که از دکتترین و گزاره های متفاوت و گاه متعارض برخوردارند. این تفاوت را در نوع تصمیم گیری ها و رفتار سیاسی حضرت امام(ره) و

<sup>1</sup> عقل آن چیزی است که بدان خداوند بندگی می شود. حدیث امام صادق (ع)



روشنفکران و جریان های سیاسی که خود را منتقد و مخالف جریان خط امام تعریف می کردند، می توان مشاهده نمود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی اخیرشان نمونه هایی از گزاره های منطقی برخاسته از عقلانیت در گفتمان امام(ره) در حوزه سیاست را بر می شمارند که شاید مخالفان ایشان از فهم و هضم آن ناتوان بودند. این نمونه ها عبارتند از:

-گزینش مردم سالارک برآک نظام سیاسی کشور

-بے اعتمادک به دشمن، و سرسختی و عدم انعطاف در مقابله با دشمن مهاجم

-تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکایی در ملت ایران (نهادینه کردن شعار «ما می توانیم» در اعماق

جان ملت

-تدوین قانون اساسی به دست خبرگان منتخب ملت

-تفهیم این حقیقت که مردم صاحب و مالک این کشورند

مبتنی بر منطق حضرت امام(ره): «ما در جنگ برآک یک لحظه هم

نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده ایم که

ما برآک اداک تکلیف جنگیده ایم و نتیجه فرع آن بوده است.»

بر اساس همین عقلانیت است که بزرگمرد زمانه این چنین جسورانه به قدرت ها و ابرقدرت ها و نوکران

آنان اطمینان می دهد که: «اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و

شرک و بت پرستی است ادامه می دهد!»

آموزه های مکتب حضرت روح الله(ره) ما را بدینجا رهنمون می سازد که: «شعار «نه شرقی و نه غربی»

ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده... و کسی گمان نکند که این

شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدک مردم ما و جمهورک اسلامی ما و همه

مسلمانان سرتاسر عالم است.»

مبتنی بر منطق پیر جماران: «آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادیک مستضعفین و

محرومان جهان با سرمایه دارک و رفاه طلبی منافات ندارد با الفباک مبارزه بیگانه اند... و تنها آنهاهی

تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند.»





حضرت امام(ره) در اواخر عمر شریف شان با خاطرک نگران! این چنین به گزاره های «عقل منفعت طلب» می نازند: «ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلام و حکم اعدام سلمان رشدک مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعات داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته اند، پس باید خامه نکتیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر(ص) و اسلام و مکتب بگذریم!»

نمونه های متعدد دیگری از گزاره های عقلائی گفتمان امام را در حوزه سیاست می توان برشمرد که در این مختصر نمی گنجد. سخن آخر آنکه قرار گرفتن در گفتمان حضرت امام(ره) پیش شرط فهم صحیح گزاره های است که در قالب توصیه ها و رهنمودها از این حکیم بزرگ انقلاب اسلام به جا مانده است؛ منطقی که به طور آشکار فراتر از منطق سیاسی مکاتب غیرالهی قرار می گیرد و فهم دکترین سیاسی حضرت امام(ره) را برای استراتژیست ها و کارشناسان سیاسی غربی ناممکن می سازد.

### اصول امام (ره) ؛ قسمت سوم

« در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به راک مردم؛ تأمین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگان برای پیشرفت کشور. »<sup>1</sup>

در دو قسمت پیش ، به بررسی دو اصل از اصول بیانگذار انقلاب اسلامی بر اساس اشارات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای پرداختیم . این شماره اختصاص دارد به مردمی بودن امام امت و زعامت

<sup>1</sup> سخنرانی امام خامنه ای در 14 خرداد 1392



همراه با سادگی ایشان.

حضرت امام خمینی ره خود را خادم مردم می شمردند و فکر محرومین کشور نیز بودند و مسلماً این مسئله با اشرافی گری تنافی خواهد داشت. بنابر این امام امت بر سادگی مسئولان تأکید می کرد و خود نیز با سادگی تمام زندگی می نمود.

امام، از تفاوت های اساسی حکومت اسلامی با حکومت سابق را در اشرافیت می دانستند و بر وضع معیشت مردم توجه داشتند.

### لزوم ساده زیستی مسئولان در بیان امام ره

مسئولان ، اصلی ترین مخاطب در ساده زیستی هستند و امام امت بدین مسئله توجه تام داشته اند و راز لزوم ساده زیستی در آنان را چنین بیان می کنند:

«در طول تاریخ، اسکلت حکومت، چه اصل حکومت و چه مجلس ها از وقتی که مجلس تحقق پیدا کرد آلا کمی در دوره اول و همین طور ارتش و سایر نهادها، اینها چون از طبقه مرفه بودند و اسکلت حکومت را به اصطلاح اشراف و اعیان تشکیل می دادند از این جهت، اطلاع از اینکه به قشر مستمند چه می گذرد نداشتند، نمی توانستند بفهمند که مستمند یعنی چه؛ فکرشان اصلاً در این قضیه هیچ وقت وارد نمی شد»<sup>۱</sup>

**امام ره سعادت را در ساده زیستی دانسته و می فرمایند:**

«انسان گمان می کند سعادتش به این است که چند تا باغ داشته باشد، چند تا ده داشته باشد، در بانکها سرمایه داشته باشد، در تجارت چه باشد، شاید انسان این گمان را می کند، لکن ما وقتی که ملاحظه می کنیم و سعادتها را سنجش می کنیم، می بینیم که سعادت مندا آنهايي بودند که در کوخها بودند. آنهايي که در کاخها هستند سعادت مند نیستند. آن مقداری که برکات از کوخها در دنیا منتشر شده است هیچ در کاخها پیدا نمی شود. ما یک کوخ چهار پنج نفری در صدر اسلام داشتیم، و آن کوخ فاطمه زهرا- سلام الله علیها- است. از این کوخها هم محقرتر بوده لکن ...برکات این کوخ چند نفری آن قدر است که عالم را پر کرده است از نورانیت»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> صحیفه امام ج 18 ص 27

<sup>۲</sup> همان ج 17 ص 373



ایشان به حکومت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام اشاره کرده و به عنوان سیره یک حاکم اسلامی در ساده زیستی می فرمایند:

« خود پیغمبر را هر کس که سیره نوشته است از رسول اکرم، [نقل کرده که] وضعش در زندگی کمتر بوده است از این مردم عادی که آن وقت در مدینه زندگی می کردند. اطاق گلی اینها داشتند؛ توی مسجد یک اطاق گلی داشتند. سوار الاغ می شده، یک کسی هم دنبالش، پشت سرش می نشسته و می رفته. آن وقت هم برای او مسأله می گفته، او را تربیت می کرده»<sup>۱</sup>

### سیره عملی امام، سادگی و دوری از اشرافیت

امام خمینی ره با آن که عالی ترین رتبه سیاسی در ایران را دارا بود اما حق ویژه ای برای خویشتن قائل نشد. حتی نگذاشت حسینیه جماران را گچ کاری کنند. با کاخ نشینی مخالف بود و فرزندان را نیز از آن دور می ساخت. حاج سید احمد آقا خمینی فرزند امام چنین نقل می کنند:

روزی از برادران سپاه مستقر در بیت امام درخواست کردم جلوی ایوان بیت را نرده ای نصب کنند. وقتی مشغول این کار شدند امام وارد شدند و فرمودند: «احمد چه کار می کنی؟» عرض کردم: «برای حفاظت جان سید علی (فرزندم) که خدای ناکرده به پایین پرت نشود، از برادران خواسته ام که نرده ای جلوی ایوان نصب کنند و این کار مرسومی در همه خانه هاست.» امام فرمودند: «شیطان از همین جا سراغ آدم می آید. اوّل به انسان می گوید منزل شما احتیاج به نرده دارد، بعد می گوید رنگ می خواهد، سپس می گوید این خانه کوچک است و در شأن شما نیست و خانه بزرگتر می خواهد و آرام آرام، انسان در دام شیطان می افتد.»<sup>۲</sup>

شما می توانید برای شماره آینده ، احساسات درونی خویش نسبت به امام امت را همراه با ذکر نام به ایمیل ما ارسال نموده تا جلوه ای دیگر از جایگاه مردمی ایشان به نمایش آید و ما آن را در همین نشریه انتشار می دهیم.

<sup>۱</sup> همان، ج 4، صص 219-220

<sup>۲</sup> درسهایی از امام ، ص 62، به نقل از : برداشتهای از سیره امام خمینی، ج 1، ص 57



## امام خمینی چه نگاهی به تمدن اسلامی داشت؟

### قسمت اول

امام خمینی (ره) در تعریف خویش از اسلام ، مسائل اجتماعی آن را انزوا به بیرون کشید و حال آن که در دوران های پیش از ایشان بر رغم تلاش فقیهان ، ابعاد اجتماعی و تمدن ساز اسلام در انزوا به سر می برد . زیرا لازمه آن که اسلام بتواند مسیر تکامل بشر را در عرصه اجتماع نشانه رود آن است که یک حکومتی الهی بر آن مطرح باشد . امام خمینی (ره) به صراحت ، هدف از نظام اسلامی را تمدن اسلامی معرفی کرده و می فرماید:

« با این نهضت اسلامی ما تا اینجا آمدیم و قدرتها را عقب زدیم؛ با این نهضت اسلامی باید سازندگی کنیم از حالا به بعد. یعنی همه با هم، همه با هم به جلو برویم. همه با هم به [سوی] یک تمدن صحیح، نه «تمدن محمدرضایی»! تمدن الهی، تمدن رسول الهی: آنکه همه اقشار بشر را، سیاه و سفیدش را هیچ فرق نمی گذارد مگر اینکه به تقوا؛ **إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَّقِيكُمْ** آیه. میزان تقوا است، میزان انسانیت است. »<sup>۱</sup>

از جمله ویژگی های امام خمینی (ره) در این میان عبارت است از مقایسه تمدن اسلام و غرب . ایشان ریشه موقعیت های فرهنگی جامعه را متوجه اصل تمدن ساخته و می فرماید:

« در تمام این مدتی که همه این ملت فریاد می کردند جمهوری اسلامی، این بیچاره ها برای «تقیه» هم یک دفعه نگفتند جمهوری

اسلامی! اینها از اسم اسلام همچو می ترسند که شیطان از بسم الله! می ترسند ... و حق هم دارند بترسند؛ برای اینکه اسلام جلوی شهوات را می گیرد؛ اسلام نمی گذارد که لخت بروند توی این دریاها شنا کنند. پوستشان را می کند! با زنها لخت بروند آنجا، و بعد زنها لخت بیایند توی شهرها! مثل کارهایی که در

همه با هم، همه با هم به جلو برویم. همه با هم به (سوی) یک تمدن صحیح، نه «تمدن محمدرضایی» تمدن الهی، تمدن رسول الهی





زمان طاغوت می‌شد. همچو کاری اگر بشود، پوستشان را مردم می‌کنند. مسلمانند مردم.

نمی‌گذارند زنها و مردها با هم داخل هم بشوند و توی دریا بریزند و به جان هم بیفتند. تمدن «اینها این است! اینها از تمدن این را می‌خواهند. اینها از آزادی این را می‌خواهند! آزادی غربی می‌خواهند. و آن این است زن و مرد با هم لخت بشوند و بروند توی دریا یا بروند توی - نمی‌دانم - جاهای دیگر شنا کنند! این تمدنی است که آقایان می‌خواهند! این تمدنی است که در رژیم سابق تحمیل بر مملکت ما شد، که بعد از اینکه می‌رفتند زن و مرد در دریا، زنها همان طور لخت و همان طور لخت می‌آمدند توی شهر! مردم هم جرأت نمی‌کردند حرف بزنند. امروز اگر یک همچو چیزی بشود، اینها را ما خواهیم تکلیفشان را معین کرد. و دولت هم معین کرد. البته دولت [به] طوری که وزیر کشور گفتند، گفتند ما جلویش را گرفتیم. اگر نگیرند، مردم می‌گیرند. مگر ما زنده‌رانیها می‌گذارند یا رشتیها می‌گذارند که باز کنار دریاشان مثل آن وقت باشد؟ مگر بندر پهلوی ای‌ها مرده‌اند که زن و مرد با هم در یک دریا بروند و مشغول عیش و عشرت بشوند! مگر می‌گذارند اینها را؟ تمدنهای اینها این است. آزادی‌ای که آنها می‌خواهند همین. این جور آزادی! بروند قمار بکنند و با هم لخت بشوند و با هم [سرگرم] عیش و نوش [بشوند ...]»<sup>1</sup>

« تمدن ناب وقتی در آئینه تدین ظهور می‌کند که عناصر محوری آن حق مدار باشد و آن عناصر سه گانه عبارت اند از قانون، هیئت حاکم (مجریان و داوران) و مردم. «امام امت در پی آن بودند که هر سه محقق شود. ولایت فقیه تأمین کننده این سه بخش خواهد بود. زیرا از سویی حاکمان آن (به طور مستقیم یا غیر مستقیم) از نزد یک حاکم الهی (ولی فقیه) منصوب می‌شوند و ولی فقیه موظف است تا مردم را به کمال و حق مداری برساند و آن قانون که بر مهر حکم اسلام و حاکم اسلامی باشد نیز بر محور حق می‌باشد. بنابر این فرزندان روح الله موظف اند تا این ضرورت‌ها را در جامعه تحقق بخشند تا تمدن اسلامی را در جامعه به عینیت رسانند.

توجه عمیق امام به تمدن سازی نشان از یک نگاه مبنایی به اسلام است. از جمله آثار دیدگاه مزبور، مسئله ولایت فقیه و گسترشی است که ایشان در آن داده است. در حقیقت، در طول تاریخ فقاہت،

<sup>1</sup> ۰۷/۰۴/۱۳۵۸

<sup>2</sup> مفاتیح الحیاة آیت الله جوادی آملی ص 42



شخصیتی نتوانسته بود مانند امام خمینی به مسئله ولایت فقیه جامه عمل بپوشاند. همچنین نامه های امام خمینی به دنیا نشان از همین روحیه جهانی و تمدنی بنیانگذار انقلاب اسلامی دارد که پیامبر گونه در صدد هدایت جامعه جهانی به سمت توحید می باشد . همین مطلب در وصیت نامه سیاسی - الهی ایشان به خوبی روشن و هویداست.

در شماره آینده - به خواست خدا - به طور تفصیلی به این بُعد شخصیتی ایشان خواهیم پرداخت.

## وصیت نامه

« اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری ها و چپاول گری ها و فساد ها و تجاوز ها بکشد و انسان ها را به کمال مطلوب برساند . و مکتبی است که بر خلاف مکتب های غیر توحیدی ، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فرو گذار ننموده است ؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن ها کوشیده است. اینک که به توفیق و تأیید خداوند ، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه ریزی شده و آن چه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است ، بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس واجبات است »